

ابوریحان بیرونی در التفهیم می نویسد که «آذرماه به روزگار خسروان اول بهار بوده است»^۱. حمزه اصفهانی نیز در شرح قصیده سینیة ابونواس گفته است: «والابسال فی ابتداء الربیع»^۲. واژه ابسال در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی نیز آمده است^۳. همچنین ابسال و ابسال در دویست زیر از فارسیات ابونواس که استاد مینوی آنها را یاد کرده اند آمده است:

بحق المهرجان و نوکروز و فرخروز ابسال الکبیس^۴

و آبسال الوهار و خره ایرانشار^۵

وجه اشتقاق این واژه را *upa-saradaka, Morgenstierne* * (چیزی که با آن سال آغاز می گردد) داده است^۶ و این توجیه مورد قبول Henning نیز قرار گرفته است^۷. پسوند «آن» (ân) در این واژه از نوع «آن» در واژه بهاران است. بنا بر این عبارت مینوی خرد را می توان چنین به خط لاتین برگرداند:

pad hēč nêkîh î gētîg vistâxv ma bâš,

čê nêkîh î gētîg êdon humânâg čêôn

abr î pad âbsâlân rōz âyêd kê pad hēč

kôh abâz nê pâyêd.

به هیچ نیکی (نعمت) جهان گستاخ مباش (غره مشو) چه نیکی گیتی مانند ابری است که در آبسالان (= بهاران) روز آید که به هیچ کوه باز نیاید. در اینجا نعمت دنیا به ابر بهاران^۸ تشبیه شده و وجه شبه بی ثباتی است. مشبه به قرار گرفتن ابر از نظر بی ثباتی شواهد بسیار دارد. در اوستا (هوم یشت، یسن ۹ بند ۳۲) اندیشه زن بدکار به ابر تشبیه شده است:

«..... jahikayâi..... yenghe frafravaite manô yatha awrəm
vâtô. shûtəm»

۱- التفهیم به تصحیح آقای جلال همایی ص ۲۵۶.

۲- مقاله آقای مینوی ص ۶۹.

۳- گاه شماری ص ۱۹۳.

۴- مقاله آقای مینوی ص ۶۷.

۵- ایضا ص ۷۴.

6 An Etym. Vocabulary, P. 60.

۷- مقاله آقای مینوی ص ۷۵.

۸- ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه چاپ زاخو ص ۲۲۵ نوشته است: و كانت المعجم صبيحة يوم الثعلب تتيمن بالنظر الي السحاب وتستدل بصفائه و كدورته و لطافته و كثافته على سعادة الزمان و نحوسه و خصبه و جدوته.

زن بدکاری که اندیشه او گردان است چون ابری که آن را باد رانده باشد. در شعر قرخی ابر بهاری به رای عاشقان تشبیه شده است:

برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا

چو رای عاشقان گردان چوطبع بیدلان شیدا

در آیه زیر از قرآن (سوره ۲۷ آیه ۹۰) نیز به گردان بودن ابر اشاره شده است: و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمر مر السحاب.